

اندیشه ایرانی

چشم انداز تحزب در ایران

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله علمی علوم انسانی

تحزب از جمله ابزارهای اصلی توسعه سیاسی در هر کشوری است و کشور در حال توسعه ما نیز باید توجه جدی و همه جانبه ای به این امر داشته باشد. چرا که احزاب در هر جامعه ای نقش کلیدی در آگاهی بخشی به افراد دارند.



نگاهی به جایگاه بحث احزاب در
اندیشه سیاسی اسلامی

تحدید قدرت

✓ سیدصادق حقیقت

مبدأ درونی و برونی احزاب، خاستگاه و کارویژه‌های آنها مباحث زیادی صورت گرفته است؛ ولی در ارتباط با محدوده بحث حاضر به این مختصر می‌توان اکتفا نمود.

۱- نوین بودن پدیده حزب

یکی از مقدمات مباحث آتی، مدرن بودن مفهوم و پدیده حزب است. اصطلاح «حزب» ممکن است به شکل عام و در معنای لغوی کاربردهایی داشته باشد؛ ولی آنچه امروزه به نام «حزب سیاسی» می‌نامیم و به قول معروف «چرخ دنده ماشین دموکراسی» است، مفهومی نوین است.

در دورانی که فردیت و حقوق شهروندی پای می‌گیرد، در دموکراسی‌های نمایندگی، این بحث مطرح است که شهروندان دارای «حق» و حقوق، به شکل خود آگاه می‌توانند گرد هم آیند و عده‌ای را به‌عنوان نمایندگان خود برای اهداف خاصی برگزینند. «مورس» دوروزه^۱ می‌گوید:

«تشابه کلمات نباید موجب اشتباه شود. در نظام‌های باستان، گروه‌هایی را که موجب تقسیم جمهوری‌ها می‌شدند، حزب می‌خواندند. در ایتالیایی عهد رنسانس، دسته‌هایی که دور افرادی جمع می‌شدند را حزب می‌نامیدند. آنها به باشگاه‌هایی که محل اجتماع نمایندگان مجالس انقلابی بود و همچنین به کمیته‌هایی که فراهم آورنده مقدمات انتخاب با شرط میزان پرداخت رای دهندگان بودند، حزب می‌گفتند. در برابر این گروه‌ها، دسته‌های دیگر مرکب از سازمان‌های وسیع مردم که مبین افکار عمومی در دموکراسی‌های نوین هستند، نیز حزب نامیده می‌شود».

به این ترتیب، می‌توان حزب را از نظر لغوی به گروه سیاسی یا غیر سیاسی در طول تاریخ نیز اطلاق نمود. تذکر این نکته در اینجا لازم است که بحث فوق جنبه صوری و لغوی ندارد. کلام در این نیست که چه چیز را حزب بنامیم. جان کلام آن است که حزب به مفهوم نوین، لوازم و مفروضاتی دارد که قبلاً بدین شکل مطرح نبوده است. از آن جمله، می‌توان به مبنای فردیت و شهروندی حزب، عضوگیری علنی، اهداف خاص احزاب بر اساس اساسنامه، تأثیر در سیاست‌های حکومتی و درگیر بودن با مفهوم دموکراسی اشاره کرد.

در جامعه‌ای که افراد آن به‌عنوان «رعیت» (و

اشاره: احزاب در دنیای معاصر نقشی والا در جامعه مدنی دارند. شرط اولیه دموکراسی‌های نمایندگی، وجود احزاب است. جوامع اسلامی نیز کمابیش - به شکل ارادی یا غیر ارادی - در حال پذیرش پدیده‌های نوینی چون احزاب هستند. مباحث نظری، می‌تواند زمینه ورود شایسته احزاب به کشورهای اسلامی را فراهم نماید. در حکومت اسلامی هم در مبنای نظری و دینی و هم در جوانب سیاسی و کارشناسی احزاب، نقاط ابهامی وجود دارد. نظریه ولایت فقیه لوازم بی‌شماری دارد که به طور مثال، آثار خود را راجع به آزادی‌های سیاسی یا وجود احزاب و محدودیت‌های آن نشان می‌دهد.

مجریه و قضائیه‌اند، حزب جایگاه خاصی ندارد؛ اما در دموکراسی‌های نمایندگی که تعدادی خاص از مردم به‌عنوان نمایندگان آنها در امور فوق دخالت می‌کنند، حزب از ارزش والا و موقعیت ویژه‌ای برخوردار است.

در اینجا به تعاریفی از حزب اشاره می‌کنیم: «ادموند برک»، حزب را هیأتی از مردم می‌داند که به خاطر پیشبرد منافع ملی با کوشش مشترک، براساس اصول سیاسی مورد توافق، متحد شده‌اند. «گنل» می‌گوید: حزب سیاسی، مرکب از گروهی از شهروندان کم و بیش سازمان یافته است که به‌عنوان یک واحد سیاسی عمل می‌کنند و با استفاده از حق رای خود می‌خواهند بر حکومت تسلط پیدا کنند و سیاست‌های عمومی خود را عملی سازند.

«جیل کریست»، حزب سیاسی را گروه سازمان یافته شهروندانی معرفی می‌کند که دارای نظریات سیاسی مشترک بوده و به مثابه یک واحد سیاسی، با عمل خود می‌کوشند بر حکومت تسلط یابند. هدف اصلی احزاب این است که عقاید و سیاست‌های خود را در سطح سیاسی رواج دهند. به عقیده «مک آبور»، حزب، گروهی سازمان یافته برای حمایت از برخی اصول و سیاست‌هاست که از راه‌های قانونی می‌کوشد حکومت را به دست گیرد.

برخی شروط احزاب عبارت است از:

- وجود تشکیلات پایدار مرکزی
- وجود شعبه‌هایی که با مرکز پیوند و ارتباط داشته باشند

- پشتیبانی مردم

- کوشش برای دست یافتن به قدرت سیاسی.

در خصوص ماهیت احزاب، ساخت آنها، انواع و

بحث احزاب را در چند سطح می‌توان پی گرفت. سطح اول، تحلیل جامعه شناختی احزاب است. از دیدگاه جامعه شناسی سیاسی، احزاب دارای آثار مثبت و منفی هستند. به طور مثال، در خصوص جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بحث شود که چه زمینه‌ها و محدودیت‌هایی در راه آن وجود دارد. بحث در این سطح، شکل هنجاری ندارد.

احزاب را ممکن است در سطحی دیگر، از دیدگاه هنجاری مورد مطالعه قرار دهیم. براساس این اعتقاد که مبنای کلامی - فقهی حزب در اندیشه سیاسی شیعه (یا اسلام) وجود دارد، می‌توان این بحث را به شکل اندیشه‌ای مطرح کرد که آیا فقه سیاسی یا کلام سیاسی شیعه، چنین پدیده‌ای را برمی‌تابد یا خیر. مباحث این سطح در بعد فقه سیاسی هم هنجاری است و هم درجه اول. کلام سیاسی ممکن است بستر فقه سیاسی را آماده کند و به هر نوعی در جهت اثبات گزاره‌های دینی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

موضوع این مقاله، بررسی مبحث احزاب در سطح سوم است. از این دیدگاه عمدتاً با دیدی بیرونی به قضیه نگریسته می‌شود. در واقع هدف از تدوین این مقاله، پرداختن به موضوع احزاب از دیدگاه جامعه شناسی سیاسی و اندیشه سیاسی نیست؛ بلکه هدف اصلی، تعیین جایگاه این بحث در اندیشه و فقه سیاسی است. بدیهی است بحث از احزاب در سطح سوم، مقدم بر سطح اول و دوم است، چرا که دیدگاهی روش‌شناسانه و درجه دوم دارد.

۱- ماهیت و تعریف حزب

در دموکراسی‌های مستقیم که مردم، قوه مقننه و

تحت سرپرستی «چوپان» مطرحند و به جای داشتن «حقوق»، ملزم به تبعیت از «تکالیفی» هستند که عقیده آنها یا حکام به گردن آنها می‌گذارند؛ حزب به معنای مدرن وجود ندارد.

۳- «حزب» در متون و مبانی دینی

کلمه «حزب» در قرآن کریم در هشت مورد به صورت مفرد و در دوازده مورد به صورت دیگر به کار رفته است. از آن جمله است:

«و من ینزل الله و رسوله والذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون»

«الا ان حزب الشیطان هم الخاسرون»

«کل حزب بما لدینهم فرحون»

راغب اصفهانی می‌گوید:

«حزب جماعتی است که در آن شدت وجود داشته باشد. مقصود از حزب الشیطان و احزاب (و لما رای المؤمنون الاحزاب) اجتماعاتی بود که برای جنگ یا پیامبر(ص) صف کشیده بودند. حزب در موارد دیگر (مثل فان حزب الله هم الغالبون، و یحسبون الاحزاب لم یذهبوا...) به معنای انصار و یاوران است.» (۷)

بدون شک، «حزب» در اصطلاح قرآن و متون دینی، به معنای نوین آن نیست. در بسیاری از موارد، معنای لغوی؛ مثل: «جماعت» و «انصار» مراد است و معمولاً در معنای نظامی (به معنای لشکر) کاربرد داشته است. در بررسی حزب (به معنای نوین) از دیدگاه اندیشه سیاسی اسلامی، نمی‌توان به آیات قرآنی فوق در جهت اثبات یا رد نظریه‌ای، تمسک جست.

احکام اسلامی چنان سعاهای دارند که می‌توانند نسبت به هر پدیده مستحدثه‌ای، حکمی از احکام پنجگانه را ارائه نمایند؛ ولی در هر حال خلط مفاهیم مدرن و قدیم، مقبول نیست. به هر حال اگر خلط مفهومی صورت گیرد، ممکن است از آیات قرآنی و مفاهیم و مبانی دینی به اشتباه در جهت رد یا تأیید احزاب، مدد گرفته شود.

از آنچه تا به حال گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت:

صغری: «حزب» مفهومی نوین است،
کبری: مفاهیم (و مبانی) دینی نوین نیستند،
نتیجه: مبانی و مفاهیم دینی به شکل مستقیم به موضوع احزاب نیرداخته‌اند.

پس در تأیید یا رد احزاب در دنیای معاصر، نمی‌توان به شکل مستقیم از مفاهیم دینی استفاده کرد یا به سراغ مبانی فقهی - کلامی آن (مثل عقل‌گرایی، آزادی و مسوولیت فرد) رفت. این نتیجه، در تطابق نسبت مفاهیم دینی یا تمام مفاهیم و پدیده‌های مدرن، صادق است. دین‌انگونه که به مفاهیم شورا و بیعت و ولایت - به شکل مستقیم - پرداخته، از پدیده‌هایی چون حزب و پارلمان و قانون سخن نگفته است.

۴- نسبت دین و پدیده‌های نوین

جان کلام در سطور قبل آن بود که مفاهیم و مبانی دینی به «شکل مستقیم» به پدیده‌های نوین مربوط نمی‌شوند. در عین حال، باید اذعان نمود که پدیده‌های مدرن همانند هر مسئله مستحدثه‌ای در برابر دین قرار می‌گیرد و چاره‌ای جز پذیرش یا رد آنها وجود ندارد. پس:

اولاً: مبانی فقهی - کلامی هر چند مستقیماً به پدیده‌های نوین مربوط نمی‌شود؛ ولی می‌تواند نوعی سازگاری و تلائم (یا عدم سازگاری و عدم تلائم) با آن پدیده‌ها داشته باشد. دین دارای پیش‌فرض‌ها، مبانی،

ارزش‌ها و احکامی است که به شکل غیرمستقیم می‌تواند با پدیده‌های نوین، سازگار یا ناسازگار باشد. به طور مثال، می‌توان گفت: عقل‌گرایی و اعتقاد به مسوولیت فردی و اختیار، با اندیشه‌های آزادخواهانه و اخبار‌گیری و اعتقاد به جبر، با اندیشه‌های توتالیتر سازگار است.

ثانیاً: دوگانه بودن دین و مدرنیسم، مانع از استخراج احکامی جدید در خصوص پدیده‌ها و امور مستحدثه نیست. دین غیر از مدرنیسم است؛ ولی در عین حال ممکن است به ازدواج میمون آنها و پدید آمدن فرزندی مشروع از ایشان معتقد شویم. صرفاً جهت تشبیه، می‌توان گفت کلمه غیر از سدیم است؛ ولی آن دو در ترکیبی شیمیایی می‌توانند موجود سومی به نام نمک طعام را پدید آورند که خصوصیات کلر و سدیم را ندارد. حزب به‌عنوان پدیده‌ای نوین ممکن است در نظام دینی از عوارض خاص خود جدا شده و هویتی جدید پیدا کند.

شاهدات فقهی در خصوص احزاب

وقتی در خصوص پدیده مستحدثه و نوینی چون حزب دست به اجتهاد می‌زنیم، ممکن است بحث خود را در دو سطح مطرح نماییم:

سطح اول، بحث نظری است. نظر دین راجع به

مفاهیم و مبانی دینی به «شکل مستقیم» به پدیده‌های نوین مربوط نمی‌شوند. در عین حال، باید اذعان نمود که پدیده‌های مدرن همانند هر مسئله مستحدثه‌ای در برابر دین قرار می‌گیرد و چاره‌ای جز پذیرش یا رد آنها وجود ندارد

پدیده‌ای به نام «حزب» چیست؟ مجتهد جهت استنباط این حکم و تطبیق کبریات شرعی بر این موضوع نظری، نیاز به مباحث کارشناسی دارد، همانگونه که بحث شرعی درباره بانکداری نوین، مستلزم مطالعات تخصصی است. اگر مجتهد، خود، کارشناس نباشد؛ می‌تواند از رایزنی کارشناسان در خصوص سوال از ماهیت حزب و آثار مثبت و منفی‌اش بهره‌مند شود. اگر مفتی در اینجا قدرت رد فرع بر اصل و تطبیق کبریات بر موضوع خاص را نداشته باشد، چه بسا فتوای خود را به شکل کلی بیان کند: «اگر حزب موجب تفرقه و تضعیف وحدت مسلمین شود، حرام و اگر مقدمه‌ای برای واجباتی چون امر به معروف و نهی از منکر است، واجب است.»

سطح دوم، بحث مصداقی است. ممکن است از مجتهد راجع به حزب خاصی در شرایط زمانی و مکانی خاص سوال شود. اینگونه سوالات در گذشته از مورد حزب رستاخیز (در ایران) یا حزب بعث (در عراق) شیوع داشت. در اینجا نیز اگر مجتهد بخواهد راجع به مصداق خاصی نظر دهد، نیاز به کارشناسی‌های مصداقی و رایزنی‌های دقیق دارد.

حال با ذکر این نکته، به سراغ برخی استفتانات می‌رویم. «محمد عماره» در مقاله‌ای تحت عنوان «الاحزاب السیاسیه حلال؟ ام حرام؟» می‌گوید:

«علمای احیای تفکر اسلامی در مقابل استعمار غربی در کشورهای اسلامی دست به تشکیل حزب زدند. این عمل آنها، تقلید از غرب نبوده است. جمال الدین افغانی در دهه هفتاد قرن نوزدهم، حزب ملی آزاد (الحزب

الوطنی الحر) و سپس جمعیت عروه الوثقی را تشکیل داد. کواکبی در پایان آن قرن، به‌عنوان موسس جمعیت ام‌القری شناخته شد.

مبارک‌فوری در دفاع از تفکر سلفی گری، تشکیل حزب را حرام می‌داند. استدلال او این است که تفرقه به هیچ وجه در اسلام مقبول نیست. او می‌گوید: اختلاف، نه در فروع نه در اصول، رحمت نیست و خداوند ما را از تنازع نهی کرده است (انفال: ۴۶) ولاتنازعوا ففتشوا و تذهب ریحکم.»

محمد عماره سپس به رد استدلال فوق می‌پردازد و با آیات قرآنی مثل: و جعلنا شعوباً و قبائل لعارفوا و سیره علمای احیای دین، اثبات می‌کند که حزب برای جامعه اسلامی، امری ضروری است:

«محمد عبده که می‌گوید «امه» در آیات قرآنی اخص از «جماعه» است، آن را چنین تعریف می‌کند: افرادی که رابطه همستگی بین آنها برقرار است و این ارتباط آنها را همانند اعضای یک بدن متحد می‌گرداند.»

وی می‌گوید، در واقع این تعریف، بر حزب به معنای نوین صادق است و بنابراین سلفیون هم به حزب اعتقاد داشته‌اند. او در واقع استدلال می‌کند که طبق این تعریف، «امه» در آیه شریفه «ونتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» بر ویژگی‌های حزب منطبق است. بر این اساس، با وحدت امت یا تعدد ملل، شرایع و احزاب، مخدوش نمی‌شود.

بر اساس آنچه در بند ۲ و ۳ آمد، از نظر قرآن جایی برای اثبات حرمت یا حلیت احزاب سیاسی به شکل مستقیم باقی نمی‌ماند. آنچه در قرآن وجود دارد، مستقیماً به حزب به معنای نوین آن مربوط نمی‌شود. اگر مقصود عماره و مبارک‌فوری از طرح این بحث، استنباط شرعی راجع به حزب به‌عنوان پدیده‌ای مستحدثه باشد، مباحث کارشناسی آنها ضعیف به نظر می‌رسد.

یکی از ققها در پاسخ به استفتایی که در مورد احزاب از ایشان شده، گفته‌اند امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی واجب است و احزاب مقدمه‌ای برای آن هستند. مقدمه واجب هم واجب است. نتیجه این صغری و کبری، وجوب تشکیل احزاب در جامعه اسلامی است. همانگونه که گفته شد، غرض از تدوین این مقاله، بختی اندیشه‌ای و درجه اول نیست، بنابراین بحث محتوایی راجع به احزاب را به موضعی دیگر وامی‌گذاریم. در ارتباط با این استفتا، از حیث مباحث روش‌شناسی، دو نکته قابل طرح است:

الف: اگر مقدمات تشکیل احزاب نسبت به امر به معروف و نهی از منکر مفروض گرفته شود، باز این اشکال وجود دارد که احزاب، تنها مقدمه برای رسیدن به ذی المقدمه فوق نیست. اگر ذی المقدمه‌ای منوط به تحقق یک مقدمه باشد، آن مقدمه نیز به شکل عینی واجب می‌شود. اما اگر مقدمات متعددی برای یک ذی‌المقدمه در عرض هم فرض شوند، آن مقدمات وجوب عینی و مستقل نخواهند داشت.

به طور مثال، فرض می‌کنیم امر به معروف و نهی از منکر با مقدمات دیگری مثل مطبوعات و سخنرانی و تدوین کتاب، عملی باشد. در این صورت نیازی ضروری به احزاب وجود نخواهد داشت و آنها وجوب شرعی و عینی پیدا نخواهند کرد.

ب- همان‌طور که گفته شد، برای اثبات این مطلب که احزاب مصداقی از امر به معروف و نهی از منکرند، به مباحث کارشناسی (سیاسی و جامعه‌شناسی) نیاز



- از آنجا که حزب برای منظور خاصی ساخته می‌شود، قابلیت انعطاف ندارد.
- به بزرگ‌نمایی اهداف و فعالیت‌های حزب و دور شدن از واقع‌گرایی می‌انجامد.
- احزاب آرامش و اعتقاد انسان‌ها را تهدید می‌کنند.
- حزب، موجب تفرقه و تنازع در امت اسلامی می‌شود.

غرض از اشاره به نقاط مثبت و منفی احزاب این بود که نشان دهیم جرح و تعدیل آنها و حکم به وجوب یا حرمت آنها نیاز به بحثی کارشناسی دارد.

۷- چشم انداز حزب در جامعه ایران

هرچند این بحث از دایره مباحث روش‌شناختی ما بیرون است؛ ولی جهت مصداقی کردن بحث اشاره‌ای به آن خواهیم داشت. جامعه ایران برای نخستین بار در جریان نهضت مشروطه پدیده‌های مدرن را تجربه کرد. مفاهیمی چون قانون و پارلمان و کارکرد مطبوعات در این واقعه مهم رخ نمود. در برابر ورود مدرنیسم هرچند به شکل ناقص، سه طرز تفکر متفاوت از جانب جامعه سنتی ایران عرضه شد.

گروهی بر این عقیده بودند که با بستن درها و کشیدن دیوارها به دور خود، امکان اجتناب از مدرنیسم وجود دارد و باید به چنین عملی اقدام نمود. گروه دوم، به شکل افراطی دست از سنت و دین خود برداشته و عقب‌ماندگی خود را به گردن آنها انداختند. گروه سوم، معتقد به ایجاد سنتز و جذب معقول پدیده‌های مدرن و جهات مثبت مدرنیسم در سنت و دین بودند. در اینجا ذکر این نکته لازم است که ایجاد چنین سنتزی بین فرهنگ غربی، اسلامی، ملی (و سوسیالیستی) همواره با ابهام همراه بوده است.

به هر حال، در طول قرن گذشته مدرنیسم تا اندازه زیادی خود را به ما و دیگر کشورهای جهان تحمیل کرد و پدیده‌های مدرن خود را به آن کشورها صادر نمود. بسیاری از ابعاد نوگرایی ناخواسته وارد ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ما شد. پارلمان، قانون، مطبوعات، تلویزیون، سینما، تئاتر، شیوه‌های جدید شهرنشینی، مفهوم شهروندی و امثال آن از جمله پدیده‌های مدرنی هستند که اینک در لابه‌لای فرهنگ ما جای خود را باز کرده‌اند.

- تقویت جامعه مدنی با بزرگ کردن نهادهای مابین مردم و حکومت

- تسهیل حکومت پارلمانی
- نزدیک کردن افکار مشابه
- تضمین دموکراسی و نجات کشور از بحران و خطرهای بزرگ

- هماهنگی بیشتر بین ارگان‌های حکومتی
- تبدیل حکومت طبقاتی به حکومت مردم
- تقویت روحیه انضاط در جامعه
- تسهیل حکومت متخصصان و افراد حرفه‌ای.
- مخالفان احزاب نیز معمولاً مواردی همچون نکات ذیل را برمی‌شمارند:

- حزب پدیده‌ای غیر طبیعی است.
- موجب تفرقه (در امت) می‌شود.
- ملاک احزاب، عضویت در حزب خودشان است.
- احزاب، استمدادهای مهم را کنار زده، تصفیه می‌کنند.

- معمولاً منافع حزبی و گروهی بر منافع ملی و جمعی ترجیح داده می‌شود.

- ریاکاری و دورویی و فرصت‌طلبی تشویق می‌شود.
- احزاب فردیت و هویت انسان را خرد می‌کند.
- اعضای حزب تنگ‌نظر بار می‌آیند
- نظام حکومتی به دست هوس‌های حزبی گرفتار می‌آید.

- از نوده مردم، تبعیت مفرطی می‌شود.
- آموزش سیاسی مردم کانالیزه می‌شود.
- موجب اتلاف وقت و پول مردم می‌گردد.
- احزاب در برخی اشکال (نظام دوحزبی) موجب غلبه قوه مجریه بر قوه مقننه می‌شود.

- در اشکال دیگر (نظام چند حزبی) موجب بی‌ثباتی بالاخص در قوه مقننه می‌شود.

- تبعیت کورکورانه از رهبران تشویق می‌شود.
- احزاب، شخصیتی دروغین از رهبران می‌سازند.
- احزاب، نسبت به منافع مردم و مصالح ملی گزینشی عمل می‌کنند.

- با باندبازی از مسیر حق و عدل، دور می‌شوند.
- اعضای حزب، با کانالیزه شدن اطلاعات، کر و کور می‌شوند.

داریم. قسمت اصلی استدلال و استغنا در این نکته نهفته است که آیا احزاب، مصداقی از امر به معروف و نهی از منکر هستند یا خیر؟ پاسخ به این سوال شأنیت کارشناسی می‌خواهد، نه فقهی. کسانی که تشکیل احزاب را حرام می‌دانند نیز به وجوب امر به معروف و نهی از منکر اذعان دارند؛ لیکن در تطبیق آن وجوب بر این مصداق تشکیک می‌کنند. ما در اینجا درصدد اثبات عدم ضرورت احزاب نیستیم؛ بلکه صرفاً می‌خواهیم نقطه تمرکز بحث را از حیث روش‌شناسی باز نماییم. حداقل باید گفت «احتمال» این مطلب وجود دارد که مضرات احزاب (در جامعه اسلامی) بیش از منافعاتشان باشد. اگر استغنائی فوق را در خصوص جامعه ایران اسلامی فرض کنیم، ضرورت نیاز به مباحث کارشناسی دوجندان می‌شود.

در خصوص جامعه ایران، ممکن است ادعای وجود مشکلات خاصی مطرح گردد. در جامعه‌ای که زیرساخت‌های احزاب آماده نیست و هرگونه اقدام نسنجیده‌ای ممکن است روند دموکراتیزه کردن کشور را به تاخیر اندازد، به راحتی نمی‌توان از وجوب شرعی تشکیل احزاب سخن گفت و آن را به شارع مقدس نسبت داد. خرج کردن از کیسه دین در چنین مواردی نه منطقی است و نه به صلاح و مصلحت.

بحث از ضرورت حزب از باب مقدمه واجب جهت بسیج مردم در راستای تعیین و تشخیص مستقیم یا غیرمستقیم ولی فقیه (بنابر نظریه نصب یا انتخاب) نیز از نقد فوق مصون نیست. هرچند ممکن است حزب وسیله‌ای برای تشخیص ولی فقیه باشد؛ ولی این احتمال نیز وجود دارد که تعیین رهبر به این شیوه دچار افات انتخاب‌های حزبی شود. برخی اندیشمندان معتقدند؛ ولی فقیه باید از درون مردم به شکل طبیعی بجوشد و خود را نمایان کند، همان‌طور که نسبت به رهبری امام خمینی (ره) این حالت وجود داشت.

فراموش نشود که بحث بر سر میزان کارایی احزاب در اینگونه امور نیست؛ بلکه صرفاً می‌خواهیم احتمالات مختلف را گوشزد کنیم تا اثبات شود که احزاب طبق استدلال فوق از باب مقدمه واجب، واجب نیستند. علاوه بر این ممکن است پس از مراجعه به دین به این نتیجه برسیم که شارع مقدس نمی‌خواسته حکم صریحی راجع به برخی پدیده‌های نوین انشا کند. در این صورت آنها در محدوده منطقه‌الفرع جای می‌گیرند.

۸- جهات مثبت و منفی احزاب سیاسی

در پایان بند قبل به این نتیجه رسیدیم که نقطه تمرکز بحث، جنبه کارشناسی و تخصصی مطلب است. بدین لحاظ می‌توان مروری هر چند سریع به برخی جهات مثبت و منفی احزاب داشت. غرض در اینجا صرفاً آشنایی با اینگونه مباحث کارشناسی است، نه جمع‌بندی نظری یا مصداقی و نتیجه‌گیری در آن باب. برخی از جهات مثبت احزاب عبارتند از:

- تدوین سیاست‌های عمومی
- برخورد سیاسی و انتقاد از حکومت (و نه‌ادینه کردن نصیحت ائمه مسلمین در حکومت اسلامی)
- رقابت سالم سیاسی و حاضر کردن مردم در صحنه و حساس نمودن آنها
- آموزش سیاسی مردم و بالا بردن سطح آگاهی‌های ایشان
- کم کردن خطر استبداد قوه مجریه
- بالا بردن اعتبار قوه مقننه